



بولتن تخصصی

شماره ۲۷ / بهمن ۱۴۰۳

اتاق نارنجی

O R A N G E

R O O M

از موريس اشرو وازارلى تا جکسون پولاک

پيشينه چاپ روى پارچه و لباس در قرن بيستم



در سراسر تاریخ تکامل جهانی منسوجات، نوعی انگیزه دائمی و مستمر به منظور اصلاح تاثیر بصری پارچه‌های ساده، با درجاتی از تنوع وجود داشته است. این تاثیرات بصری، در حالی که خاصیت سیال بودن پارچه را حفظ می‌کردند، تلاش می‌کردند تا در قالب الگوهای رنگی یا تصویری، خود را به نمایش بگذارند. رویکرد یاد شده با به کارگیری روش‌های جایگزین مختلف در تولید پارچه در سطوح دارای طرح، به تمایز می‌رسید؛ از جمله ملیله‌کاری، سوزن‌دوزی، گلدوزی و جلوه‌های رنگی بافته شده. شیوه‌های مزبور ماهیت و رفتار منسوجات ساده را با افزودن وزن، ریسک تخریب پارچه و کیفیت حرکت آن‌ها دستخوش تغییر می‌ساختند.



جاناناتان ساندرز برای سال ۲۰۱۱، یک چاپ خطی سرشار از پرندگان و شاخ و برگ‌های بسیار که از موريس اشتر الهام گرفته بود، را در یک صفحه مهندسی شده به کار گرفت.

اگرچه بسیاری از طراحان مشتاقند تا از سهولت فناوری جدید استفاده کنند؛ اما برخی از آن‌ها ترجیح می‌دهند از این دست امکانات همراه با مهارت‌های چاپ روی صفحه، که در کارگاه کالج هنر آموخته‌اند بهره‌برداری کنند. دیگران مایلند کاملاً خود را به خلوص فرایند تولید دست‌ساز محدود کنند؛ مانند پیشگامان احیاء الگوی قرن بیست و یکم، مارک الی^{۱۷/} (متولد ۱۹۶۸) و واکاکو کیشیموتو (متولد ۱۹۶۵) که برند طراحی الی کیشیموتو را تاسیس کردند. این دو هنرمند که از برجسته‌ترین مهارت‌های دشوار کار کردن با چاپ چندجهته روی یک لباس استفاده کرده‌اند، طرح نمادین "فلش"^{۱۸/} را پدید آورده‌اند. این شیوه، از ماندگاری یک چاپ کلاسیک برخوردار بوده و می‌توان از آن روی همه سطوح استفاده کرد. آن‌ها با ابداع فرایند چاپ روی صفحه، نخستین پارچه‌های مد را به صورت عمده روانه بازار کردند. ساموئل سایمون^{۲۰/}، نخستین اختراع در فرایند چاپ روی صفحه را در سال ۱۹۰۷ به ثبت رساند. این روش نسبتاً ارزان و کم‌زحمت چاپ پارچه، سرعت واکنش به تغییرات در روند مد را افزایش داد و طراحان را از محدودیت‌های شیوه‌های گران‌قیمت چاپ باسمة یا غلتک حکاکی‌شده، رهایی

استفاده از ابزارهای مکانیکی است. از این خاستگاه‌های ساده، فناوری چاپ معاصر، بهره‌برده و آن را در سراسر عصر صنعتی توسعه داده است؛ تا جایی که نتایج خلاقانه تقریباً آنی آن، نه تنها برای تمام طراحان، بلکه برای افرادی که در زمینه آماده‌سازی چاپ آموزش دیده‌اند، در دسترس لوده و امروزه تنها به الگوهای تکراری محدود نمی‌شود.

طراحان مد نظیر پیتر یسن^{۶/} (متولد ۱۹۶۹)، ریچارد کوئین^{۷/} (متولد ۱۹۹۰)، اردم^{۸/} (متولد ۱۹۷۷)، جاناناتان ساندرز^{۹/} (متولد ۱۹۷۷) و مری کاترانتزو^{۱۰/} (متولد ۱۹۸۳)، به تجربه‌گری و کشف این امکانات پرداخته‌اند. رابطه میان چاپ و اوت کوتور، با تأثیرات ملموس و مشخص این پیشگامان ادغام فرم لباس و تصاویر چاپی، وسیله‌ای نوآورانه برای رسیدن به اهدافشان بوده است. در پی تمایل ضمنی برای تزئین و آراستن فیگور انسانی، طراحان معاصر، مفهوم چاپ را به مثابه یک تزئین صرف کنار گذاشته و با ترکیب نوعی پیکربندی پیچیده از الگوهای چاپی در توپوگرافی اجزای لباس، چیزی جدای از کاربرد آن برای شکل‌دهی، قالب‌گیری یا تعریف مجدد فرم بدن زیر آن پدید آورده‌اند. موضوعات ساندرز که در اصل از آثار هنرمندانی همچون ام. سی. اشتر^{۱۱/} و یکتور وازاری^{۱۲/}، ریچارد همیلتون^{۱۳/} و جکسون پولاک^{۱۴/} الهام می‌گیرند، به شکلی صریح، انتزاعی باقی می‌مانند. چاپ‌های او از تفاسیر بسیار ملایم‌تری نسبت به اصل تصاویر برخوردار است و از الگوهای الهام گرفته این هنرمند، از آرت‌نوو تا تصاویر بازسازی شده را در بر می‌گیرند. نیکولاس گسکيه^{۱۵/} (متولد ۱۹۷۱) در مجموعه بهار/ تابستان ۲۰۱۹ خود که برای لویی ویتون تولید کرد، از طرح‌های چاپی گروه طراحی و معماری ایتالیایی ممفیس^{۱۶/} که در سال ۱۹۸۰، توسط اتوره سوتساس^{۱۷/} تاسیس شد، الهام گرفت. این مجموعه همچنین دارای ژاکاردهای گلدار متالیک بود.

روش‌های به کارگیری انواع الگوها در پارچه‌های ساده، در طول تاریخ صنایع دستی و تولید، بارها پدیدار شده، فروکش کرده و مجدداً قد علم کرده‌اند. پلانگی^{۱/} شیوری^{۲/}، ایکات و باتیک، جملگی سیستم‌های رنگرزی مقاومی هستند که در آن‌ها با استفاده از موم یا خمیر، تلاش می‌شود تا از رسیدن رنگ به بخش‌هایی از پارچه جلوگیری شود. در همین راستا، رنگ‌پذیری به منظور بهره‌وری هرچه بیشتر و همچنین ایجاد سیستم‌هایی برای مکانیزه کردن تکرار الگوهای مختلف با استفاده از مواد مقاوم، پارچه‌هایی را به وجود آورد که در تولید آن‌ها از انواع باسمة‌ها یا شابلون‌ها استفاده می‌شد. این دستاورد، باعث نزول مهارت و ارتقاء سرعت خروجی تولید صنعتگران شد.



ایلی کیشیموتو از زمان آغاز به کار در سال ۱۹۹۲، از فرایندهای صنایع دستی سنتی در تمام چاپ‌های خود استفاده کرده است.

نوآوری در فناوری الگوبرداری و چاپ پارچه از دورانی که نخستین روش‌های باسمة‌زنی یا ممانعت از رسیدن رنگ به برخی از نواحی پارچه، به وسیله فرهنگ‌های غیر اروپایی در چین، هند، آفریقا و ژاپن به وجود آمد، ادامه داشته و این فرایندها برای قرن‌ها برجای مانده و مورد استفاده قرار گرفته‌اند واژه "الگو"^{۳/} از کلمه لاتین پاتر^{۴/} مشتق شده و در اصل به معنای "شکل والد"^{۵/} است. الگو، یک ویژگی تعیین کننده برای عنصر تکرار با

بخشید. ظهور و ارتقاء انواع ماشین‌آلات، ابداعات و نوآوری‌های بیشتری را به دنبال داشت. در دهه ۱۹۳۰، چاپ روی صفحه، در سراسر اروپا و ایالات متحده رواج یافت. این نوآوری‌ها، طراحی چاپ را دموکراتیزه کرده و منجر به تحولات عمده‌ای در صنعت چاپ پارچه - به ویژه پارچه‌های مد - شدند.

امروزه شیوه‌های چاپ مدرن به طراح این امکان را می‌دهد که چاپ را به‌طور کامل در لباس، از ابتدای پیدایش آن درهم آمیزد؛ نه این‌که صرفاً یک الگوی تکراری ثابت را در اجزای لباس برش خورده، به صورت قطعه قطعه شده اعمال کند. چاپ دیجیتال، به‌جای پیروی از روش‌های وقت‌گیر سنتی سیلک اسکرین - که نیاز به یک صفحه تخت یا چرخشی جداگانه دارد - با استفاده از رنگ‌های نامحدود، تصویر را مستقیماً از دوربین دیجیتال یا نمایشگر رایانه، به روی پارچه در حال گردش منتقل می‌سازد. این تفکیک رنگی برای پردازش هر رنگ، مستلزم آن است که هر صفحه و هر رنگ به‌طور کامل "ثبت" شده تا با فرایندهای مرکب، خشک کردن و شستشو میان هر کار، تصویر ترکیبی دقیقی به دست آید. به همین دلیل، هزینه پارچه‌های چاپی سفارشی با صفحه، که یک طراح مد غالباً در مرحله خلق و توسعه مجموعه‌اش به آن نیاز دارد، بسیار گران از آب در می‌آید.



برند طراحی ایتالیایی مارنی^{۲۷} با ترکیب الگوهای گرافیکی و انواع بافت‌ها، در سال ۲۰۱۲، دست به بازتفسیر چاپ و رنگ مدرن اواسط قرن بیستم زد.

با استفاده از چاپ دیجیتال، می‌توان یک الگو را در عرض چند ثانیه تغییر داد؛ خواه برای تغییر مقیاس، یا رنگ‌آمیزی و پیکربندی مجدد تصاویر. همچنین چاپ دیجیتال، یک فرایند بسیار سریع محسوب می‌شود؛ پارچه‌ای به طول ۵۵۰ متر مربع را می‌توان در ساعت چاپ کرد، اگرچه چاپ صفحه چرخشی با حجم بالا در بازار تولید انبوه، همچنان قادر است از این سرعت پیشی بگیرد. چاپ دیجیتال می‌تواند طیف وسیعی از پارچه‌ها را در خود جای دهد؛ از شفاف‌ترین پارچه‌های ابریشم گرفته تا منسوجات پنبه‌ای سنگین و انواع مخمل‌ها از جمله شیفون^{۲۷}، هابوتای^{۲۸} ژورژت^{۲۹}، پوپلین^{۳۰}، متقال، کتان، پشم ظریف، لایکرا^{۳۱} و سایر مواد کشسان. پارچه‌های مختلف در رنگ‌های متفاوت و روش‌های گوناگون استفاده از جوهر، به حداکثر تاثیرگذاری رنگی نیاز دارند. این مواد شامل رنگ‌های اسیدی، واکنشی، تصعیدی و انواع رنگدانه‌ها هستند.

غالباً از رنگ‌های اسیدی برای پشم و ابریشم استفاده می‌کنند و مواد واکنش‌دهنده که از آن‌ها تحت عنوان رنگ‌های پروسیون یاد می‌کنند را در چاپ الیاف سلولزی (پنبه، کتان و ویسکوز) و پروتئینی (پشم و ابریشم) به کار می‌برند. رنگدانه‌ها تمایل شدیدی در ترکیب با پلی‌استر دارند و به دو شیوه در چاپ دیجیتال مورد استفاده قرار می‌گیرند. اخیراً چاپ مرکب‌های رنگدانه‌ای بر کاغذ و سپس انتقال رنگ‌ها با فشار تصعید حرارتی به پارچه آماده، رایج شده است. با این حال، برخی از چاپگرهای دیجیتال کنونی، مراحل این فرایند را به چاپ مستقیم روی پارچه پلی‌استر کاهش داده و در ادامه به منظور تکمیل پیوند شیمیایی رنگ‌ها با الیاف، پارچه به یک خشک‌کن خطی و واحد پرس حرارتی چرخشی منتقل می‌شود. رنگ‌های اشباع شده را می‌توان با کسری از هزینه - در قیاس با روش‌های صفحه‌ای - مورد

استفاده قرار داد. این قابلیت سریع، برای طراحان مستقل بازار، بسیار ایده‌آل است. افزون بر این، تمام ارتباطات طراحی میان طراح و تولیدکننده، از جمله انتقال تصویر از استودیو به اتاق چاپ، می‌تواند به صورت الکترونیکی تسریع شده و از طریق نمایه‌سازی، وفاداری به رنگ اصلی در خروجی کار تضمین شود.



دریس ون نوتن^{۳۲} مستقر در آنتورپ، از آرشیوهای مد برای انتقال روایت خود به منسوجات چاپی استفاده می‌کند. بدین ترتیب است که لباس‌هایی با دقت خطی و به اشکال کوتور، برای نمایش مد پاییز و زمستان ۲۰۱۲، خلق می‌شوند.

افزایش مجدد علاقمندی به طراحی چاپ باعث شده است غالب طراحان بزرگ بین‌المللی، از چاپ به عنوان راهی برای تثبیت هویت بصری - در عصری که اشباع دانش و مولفه‌های بصری شتاب گرفته است - در مجموعه‌های خود استفاده کنند. کونسوللو کاستیلیونی^{۳۳} (متولد ۱۹۵۹)، در مارنی، طراح بریتانیایی متیو ویلیامسون^{۳۴} (متولد ۱۹۷۱)، خانه طراحی ایتالیایی اترو^{۳۵} و طراح بلژیکی دریس ون نوتن (متولد ۱۹۵۸)، همگی به واسطه برقراری نوعی رابطه مسالمت‌آمیز میان چاپ و لباس به شهرت رسیده‌اند. برند مارنی از رویکردی خاص و التقاطی در چاپ پیروی کرده و با ترکیب الگوهای گرافیکی، از نقوش اواسط قرن بیستم بهره می‌برد. حس ترکیبی قدرتمند دریس ون نوتن نیز کاربرد آزادانه رنگ و اشتیاق آشکار به الگو را در تکنیک‌های چاپ متنوع به کار

پی‌نوشت‌ها:

1. Plangi
2. shibori
3. Pattern
4. Pater
5. Parent Form
6. Peter Jensen
7. Richard Quinn
8. Erdem
9. Jonathan Saunders
10. Mary Katrantzou
11. M. C. Escher
12. Victor Vasarely
13. Richard Hamilton
14. Jackson Pollock
15. Nicolas Ghesquière
16. Memphis
17. Ettore Sottsass
18. Mark Eley
19. Flash
20. Samuel Simon
21. Marni
22. Chiffon
23. Habetai
24. Georgeette
25. Poplin
26. Lycra
27. Dries van Noten
28. Consuelo Castiglioni
29. Matthew Williamson
30. Etro
31. Holly Fulton

32. Perspex، نوعی پلاستیک شفاف جامد ساخته شده از پلی متیل متاکریلات.

33. Première Vision/Indigo



**Carwan
Dourandich**

*\Graphic Designer]

Instagram:
@Carvvan

LinkedIn:
/Carvvan



مدیر بولتن: **پیام فروتن**
طراح هنری: **کاروان دوراندیش**
حامی مالی: **میلاد قلیچ**

O R A N G E R O O M

کلیه حقوق معنوی بولتن متعلق به پیام فروتن بوده و هرگونه کپی برداری و استفاده از مطالب آن منوط به کسب اجازه کتبی از وی می باشد.



چاپ‌های هالی فولتون، دارای طرح‌های فوتوریستی بوده که از نقوش مصر باستان، آرت دکو، موزائیک‌ها و زرق و برق دهه ۱۹۳۰ هالیوود الهام می‌گیرند.

خریداری می‌کنند. پرمیر ویژن/ایندیگو^{۳۳} یک سازمان بازاریابی تجاری است که به ترویج صنعت نساجی اختصاص داشته و میزبان ۸۰۰ تولیدکننده پارچه مد از سراسر جهان است که آثار خود را به نمایش گذاشته و به فروش می‌رسانند. در این میان، اثر هنری اولیه - چه برای چاپ روی صفحه و چه برای چاپ دیجیتال - معمولاً دست‌نخورده باقی می‌ماند؛ مگر آن‌که مقدار بسیار رنگ‌های موجود در طراحی، در فرایند چاپ روی صفحه دستخوش تغییر و دگرگونی شود.

امروزه انواع و اقسام پیشرفت‌ها در صنعت چاپ، رنگ‌های "هوشمند" نظیر جوهرهای حرارتی و فتوکرومیک را نیز در بر می‌گیرند. این رنگ‌ها بر اساس شرایط جوی، تغییر رنگ می‌دهند یا پارچه‌های ساده که در زمان خیس شدن به الگویی دیگر تغییر یافته و رنگدانه‌های حامل سلول‌های خورشیدی مینیاتوری که قادر به جذب نور خورشید هستند. بدین ترتیب، طراحی چاپ برای مد، بدن را قادر می‌سازد تا به شکلی منحصر به فرد، با جهان بیرون تعامل داشته باشد.

گرفته و ممکن است آن‌ها را در یک لباس تک‌لایه بگنجاند. الگوهای الهام گرفته از ترکیب فرهنگی ناهمگون منابع جهانی و آرشیو لباس، با تزئیناتی نظیر گلدوزی و منجوق‌دوزی ترکیب می‌شوند تا سطحی منقطع را به وجود آورند.

الگوهای انتزاعی، صرف نظر از بازنمایی و تلاش برای به تصویر کشیدن هر شکلی از رئالیسم، این ظرفیت را دارند که بیشتر به چشم بیایند. نقشمایه‌های درهم شکسته یک چاپ انتزاعی، با برش لباس ترکیب شده تا نوعی معمای بصری پیچیده را به وجود آورند. در این میان، تنش خاصی را می‌توان در سیال بودن بدن که منجر به بروز نوعی سبک گرافیکی متحرک می‌شود مشاهده کرد. اگرچه این نقوش ممکن است کاملاً هندسی باشند؛ اما مطمئناً از خصوصیتی کاملاً غیرمجازی برخوردارند. الگوهای انتزاعی، به شکل جوهری در تضاد با فرم انسانی قرار دارند و نوعی ابهام را به وجود می‌آورند که بدن پوشیده را پنهان ساخته یا باعث بهبود آن می‌شوند؛ زیرا طراح، زبان بصری کاملاً جدیدی را بدون هرگونه تداعی یا سابقه پیشینی به وجود آورده است. این رویکرد، به شکل‌ها و فرم‌هایی که در طبیعت نمونه مشابهی ندارند اجازه ظهور می‌دهد؛ درست به همان ترتیب که در آثار طراح مد اسکاتلندی معاصر، هالی فولتون^{۳۱} (متولد ۱۹۷۷) دیده می‌شود. او از نقوش آرت دکو و نمادهای مصر باستان، به عنوان منابع الهام‌بخش لباس‌های فوتوریستی با فرم‌های کلی ساده استفاده می‌کند. فولتون، چاپ دیجیتال مهندسی شده را با برش لیزری، لوازم جانبی، مهره‌دوزی و تزئینات پرسپکس^{۳۲} درهم می‌آمیزد تا به جلوه‌های سه بعدی و خطای دید دست یابد.

برخلاف طراحان و متخصصان مستقل، برندهای طراحی و خانه‌های مد، به جای تولید ایده‌های چاپی توسط خود، آن‌ها را